

دور نیست در همین نزدیکی است روستایی که در حسرت آب و آبادانی ، رویای سبز شدن را به فراموشی سپرده !! !! ۲۴ کیلومتری بندرعباس راهی آشنا و نه چندان دور ، صبح شنبه ساعت ۷/۳۰زودیک می شویم سمت چپ جاده ،جاده فرعی و خاکی است که ما را به قلب روستا هدایت می کند .دقایقی بعد اولین مدرسه (دبیرستان)دهنوی بالا را می بینی که در کنار آن نیز دبستان بدر قرار گرفته ،دبستانی با قدمت ۲۸ ساله . روستای ما هیچ امکاناتی ندارد یک نانوايي داریم که در پخت نان بهداشت رعایت نمی شود .

آب روستایمان نیزهفته ای یکی دوبار وصل می شود و باقی روزها آب نداریم .دهدارمان نیز که خانه اش در شهراست و فقط جمعه ها سری به اینجا می زند این را گلشن ابلق می گوید ،نگهبان مدرسه دبستان بدر ، در حالیکه برقه ای به صورتش زده و در حال پاک کردن مشطهای سیاه شده‌پشرش روح الله‌است .پشرش کلاس اول دبستان است . او ادامه می دهد و از دیگر مشکلات خود و روستایش بریایمان می گوید: اکثر پدر و مادراهی سواد ندارند و نمی توانند به فرزندان خود کمک درسی نمایند .مدرسه راهنمایی نداریم و بچه ها مجبورند به دهنوی پایین که راهش دور است یا به قلعه قاضی و تخت بروند .

گلشن هفت فرزند (۲دختر وپسر) دارد ، ۱۰ ساله

...یا بگذارید این طوری بگویم که ...

نزدیک اما دور افتاده؟!

♦ زهرابگیري

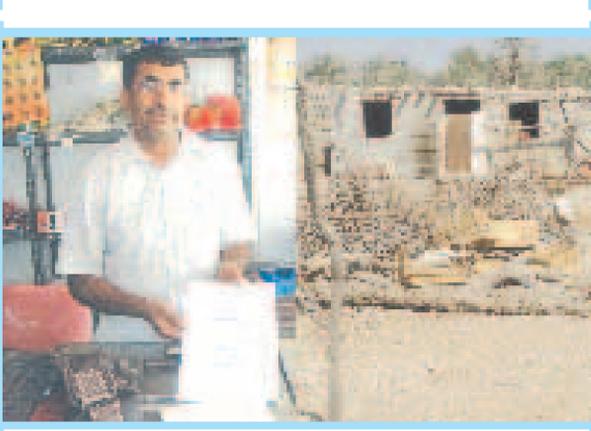
می شود که نگهبان مدرسه است ، ماهی ۲۰هزار تومان حقوق می گیرد و بیمه هم نیست ! شوهرش بیمار و بیکار است ! درآمد اصلی شان از راه معامله گاو و گوسفند است ، تحت پوشش کمیته امداد هم نیستند ! او از ما می خواهد که طی نامه ای از مشکلاتش برای مسئولین بنویسم تا به او کمک هایی شود ... با خانم ابلق از مدرسه راهی خانه اش می شویم . با شکوه نیست ! سادگی یا بگذار اینطوری بگویم کهنگی و فرسودگی خانه اش از دور جیغ می زند ! بی حصاری دو اتاق در سمت راست و روبرویش نیز دو اتاق دیگر با درهای چوبی کدر و کهنه که دور تا دورش از حصار چوبی فرا گرفته .

برقه اش را برمی دارد .انگار که درد و فرسودگی در هم پیچیده باشد ، چهره سبزگونش با چشمانی که حکایت از روزهای سخت زندگی دارد به رویت لیخند می زند؛ لیخند آشناوسوز ٦٦سالش است ، با قدی نسبتا بلند ، باریک اندام و چهره ای مهربان و دوست داشتنی ، تا سوم راهمایی بیشتر درنخواند ! اسمش آرتنا است ، دختر گلشن خانم از آرتنا می خواهم که برای دیدن روستایشان ما را همراهی کند ، او نیز مصمیمانه می پذیرد !

آرتنا می گوید: اغلب مردهای روستایشان در شهر کارگی می‌کنند و بعضی هاشان هم برای کارکشاورزی به قلعه قاضی می روند آخر روستایشان سالهاست طعم آب و آبادانی را نچشیده روستای بدون آب همان زندگی بدون امید می ماند !!آه از این ترازویی بی آبی و

خشکسالی که این چنین دل مردم این روستا را به درد آورده ! دیگر همه صدایش را می شنوند "صدای کویر تدارک ناهار می بیند . از چهره اش چیزی پیدا نیست، جالب است و ستودنی ! نجابت زنان جنوبی را می‌گویم‌او چهار فرزند دارد و شوهرش مثل باقی مردهای ده کارگراست . خانم مرادی هم از حسرت آب و آبادانی ده اش می گوید : اینکه اگر کشاورزی داشتند وضعشان بهتر از این بود !! دروبین مان که شارژش شد به طرف

دورش حلقه زده اند . او مشغول پاک کردن ماهی است. ساعت حول و حوش یازده صبح است ظاهرا زهرا خانم تدارک ناهار می بیند . از چهره اش چیزی پیدا نیست، جالب است و ستودنی ! نجابت زنان جنوبی را می‌گویم‌او چهار فرزند ندارد . آقا اسحاق ظاهرا حرفهای اعضای شورا خبر ندارد . وارد مغازه اش می شویم او ۱۵ سالی می شود که مغازه دار این ده است و هر روز از پنج صبح تا ۱۰ شب مشغول کاسبی است خود را معرفی



سیمین خانم هم از دیگر اهالی این روستا است . حیاط بی حصار خانه اش به یک برکه آبی نیمه پر و نیمه خالی از آب، آئین شده و شیر آبی که کمتر مواقعی می توانی شاهد اشتیاق قطره های آیش به دستان کوچک کودک این خانه باشی !! دستان کودکش را سفت چسبیده و از بیماری جگرگوشه هایش بریایمان می گوید: پاهایشان کبود می شود وقتی که زخم شوند دیگر خوش بند نمی آید آنها را برای معالجه به تهران هم برده‌ام اما پزشکان گفتند که بیماری دو کودک درمان قطعی امده و با مصرف مداوم دارو دردشان تنهاستکین می باید !! نمی‌دانم که خوشبختی یا نه؛ اصلا تعریف از خوشبختی چیست ؟ اما می‌دانم که می‌دانی این درد چقدر سنگین است ! درد خوشبختی پیر شده فرزند برای مادر ! اما گاهی همین دانستن هم کافی است وقتی نمی توانی کاری انجام دهی ؟! نه اینکه نخواهی !

او می گفت از خودشان می گفت که شوهرش راننده ماشین است و ماهی ۲۰۰هزار تومان درآمدشان است آخر

این ۲۰۰هزار تومان را به کدام زخممان بزنیم ! سیمین خانم را می گویم ،خودش اینها را می گفت ...! به راهمان ادامه می دهیم ،آرتنا در راه از خودش می گوید: از اینکه به خاطر اوضاع خانه شان مجبور شد درشش را نیمه تمام رها کند . از خواهرش که درمدرسه راهنمایی دهنوی پایین درس می خواند و از پدراش که با پول کارگری مخارج مدرسه اش را می پردازد... هاشم را دیگر به مرکز روستا رسیده ایم با یک سلام و خسته نیاشید مهمان خانم مرادی می شویم ، چندین دختر بچه قدو نیم قد

درددل یک معلول

امروز ما ناتوانی های کوچکی بر دوش داریم

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

مشکل اشتغال دارند که باید در این خصوص توجه شود .
♦ شهرزاد پروین

آرتنا دیگر راهی نمانده ،دقایقی بعد روبروی یک سوپر مارکت لب همان جاده ایبم ظاهرا دفتر شورا بسته است ، تنها چند جوان که مشغول تعمیر موتورسی هستند ، روبروی دفتر ایستاده اند. صاحب سوپرمارکت هم از بهداشتی مناسب و درمانگاه با وجود نیاز بهداشتی ۸۰۰خانواری دهنوی بالا و پائین را نیز به آن اضافه کی چه می شود ؟!

اسحاق ادامه می دهد : جاده ای که از طرف بندر به مناب می رود (جاده بین دهنو بالا و پائین) چند سالی که ۲کیلومتر راه آن مناسبانه هنوز آسفالت نشده ! او نامه هایی را که به استانداری و فرمانداری جهت رفع مشکلاتشان فرستاده اند ، نشانمان می دهد و می گوید : «مچنان در انتظار پاسخ مسئولین جهت رفع دغدغه هایمان هستیم .

این مغازه دار باز هم می گوید از جوانانی که به خاطر نداشتن شغل و درآمد نمی توانند تشکیل خانواده دهند یا جوانانی که بخاطر مشکلات مالی زیاد از ادامه زندگی مشترک باز می مانند .

ابراهیم که داماد آقا اسحاق است ، در ادامه صحبتهای او اینگونه از مشکلاتش می گوید: تازه ازدواج کردم . یک وام مسکن پنج میلیونی گرفتم تا خانه ام را بسازم اما مگر با ۵ میلیون می توان خانه ساخت !

نمی دانم که خوشبختی یا نه ؟ اصلا

تعریف از خوشبختی چیست ؟ اما می

دانم که می دانی این درد چقدر سنگین

است !درد خوشبختی پرپر شده

فرزند برای مادر !اما گاهی

همین دانستن هم کافی است وقتی نمی

توانی کاری انجام دهی !؟

نه اینکه نخواهی !

♦ شهرزاد پروین

دو تا اتاق هم به زور بالا آوردم . حال بماند که قسط وام ازدواج مان مانده و کلی هم بدهی داریم ، این بیکاری و نداشتن منبع درآمد خود شده قوز بالا قوز !اگر کمکی از پدرزنم نبود نمی دانم چه اتفاقی می افتاد . الان هم که به ناچار کنار آقا اسحاق در مغازه مشغول هم چند درامد آنچنانی ندارم !! مشکلات اینجا بیداد می کند !! شماره تلفن آوای "دريا" را از ما می گیرند در حالیکه قول می دهیم حتما مشکلاتشان را منعکس کنیم. انگار که این درد نمی خواهد تسکین بیابد . درد "محرومیت" را می گویم که سالها بخش اعظمی از مردم کشورما با آن گلاویزند تا شاید روزی زندگی شان رنگ زیستن به خود گیرد نه فقط زنده بودن !

ای وطن آباد باشی ،سربلند ،آزاد باش

گرچه بهر من نداری ، کلبه ای کاشانه ای هم جغدمها هر شب تشنم می دهند امید ؟ گویند :

کنج معنا بین ندادد گوشه ویرانه ای هم !

(م امید)



موفقیت تحصیلی را مدیون این بزرگوار می دانم .

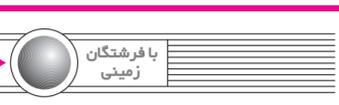
همچنین در دوران تحصیلی در دانشگاه آزاد اسلامی بندرلنگه مشکل حضور در جلسه امتحان را داشتم و باید پله دانشگاه را آن هم چهار طبقه بدون آسانسور طی می کردم و بچه ها کمک می کردند و من را بغل کرده تا طبقه چهارم می آورند و بعد ویلچرم را با خود می آوردند .

آن روزها را هرگز فراموش نمی کنم ، دست همگی درد نکند .

دنیا را چه رنگی می بینی ؟ مشککی ، خیلی رنگ مشککی را دوست دارم ، مانند شب برایم یک خاطره است و یک معما

به معلولین جسمانی مانند خود چه می گویی ؟ باید بگویم ما مخلوقی هستیم که خداوند آفریده است

روزنامه سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی ، ورزشی



نام و نام خانوادگی :	پا فرشتگان زهمینی
یحیی رئیسی	
شغل: کاردان آزمایشگاه بیمارستان شهیدمحمدی	
سن: ۴۹ سال	
مدرک تحصیلی: فوق دیپلم علوم آزمایشگاهی	
سابقه کار : ۲۹ سال	
چه انگیزه ای باعث شد که رشته پرستاری را	

انتخاب کنید ؟

خدمت واقعی به بیماران و جوابگو بودن به خواسته های بیماران در چهار چوب وظیفه قانونی خود ورضایت خداوند متعال .

۲-پرستاری را چگونه شغل و حرفه ای می ببیند ؟
شغل بسیار پیچیده و حساسی است که در تمام دوران خدمت ، پیوسته دلبهره و استرس در وجود همکاران لمس ، شود و بسیار نیاز به دقت و کارآیی والایی دارد .

۳ - مشکلات و سختی های این شغل از نگاه شما چیست ؟

از جمله سختیهای این رشته ، وجود محلولهای بسیار خطرناک در آزمایشگاههای مراکز بیمارستان از جمله فرمالین - اتر- و ...می باشد که حتی منجر به بیماریهای صعب العلاج می شود و همچنین در معرض خطر قرار گرفتن اشعه های خطرناک دستگاههای آزمایشگاهی جهت تشخیص تستهای اختصاصی .

۴ - یک خاطره تلخ و یک خاطره شیرین از شغلان را بنویسید ؟

خاطره تلخ اینجانب در مورد یک بیمار عقب رزیده بود که همزمان با ارسال به موقع جواب آزمایش به بیمار مورد نظر متأسفانه بیمار فوت کرد.

حدود ۲۰ سال پیش از آن زمان می گذرد و خاطره شیرین اینجانب از شغل مربوطه همان تشکر و قدردانی بیماران است که پیوسته در زمان حال ، گذشته و یا آینده به حساب می آورند و این نعمت بزرگی است که باعث رفع خستگی پرسنل می گردد.

آزمایشگاه حرفه ای است که راهکارهای مناسب و چراغ راهنمایی پزشکان در زمینه تشخیص بیماریهای مختلف با توجه به علائم موجود در بیماران را اثبات و روشن می نماید .

بطوری کلی حجم کار آزمایشگاه و متناسب با تعداد پرسنل نمی باشد و این مستلزم کارشناسی بیشتر در زمینه علوم

کیفی می باشد .
یک مورد از مشکلات پرسنل عدم پرداخت به موقع مطالبات می باشد که در مقاسیه با استانهای دیگر کشور هماهنگی لازم وجود ندارد .



حفظ درختان کهنسال

شهری که میراث

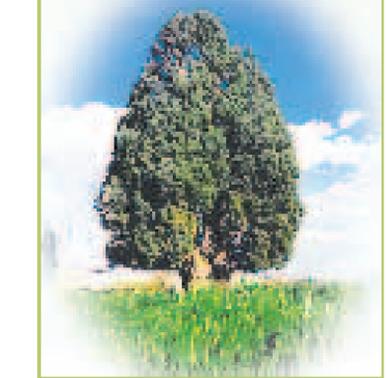
گذشتگان و سرمایه

آیندگان می باشد، بسیار

اهمیت دارد

سازمان پارکها

و فضای سبز شهرداری بندر عباس



فروش سیم کارت و کارت شارژ ایرانسل

ثبت نام ایرانسل

میدان ۱۷ شهریور بازار مرکزی جنب اسانسور شیشه ای

بندرعباس چهارراه نخل ناخداغ ترمینال کوچه شقایق موبایل برتر ۲

سیم کارت رُند

ایرانسل

MTN

ایرانسل

MTN